

اخبار حوادث

قتل فجیع یک حقوق‌دان درمقابل خانه‌اش

عبدالرضا داوری مدیرعامل یک مجله از مرگ فجیع یک حقوق‌دان منتقد در مقابل خانه‌اش خبر داد. عبدالرضا داوری در ساعت ۱۸:۳۰ عصر یکشنبه در توئیت‌ر نوشت: «خبر تکان دهنده بود. دکتر فرشید «فرشید هکی» حقوق‌دان و اقتصاددان عدالتخواه و مشاور علمی نشریه بررسی‌های اقتصادی، ساعتی قبل به طرز فجیعی به قتل رسید. دکتر فرشید هکی فعال حقوق بشر و کودکان کار که موسسه پیش‌ن‌ازان توسعه را در حمایت از آنها تأسیس کرده بود به ضرب چاقو در مقابل خانه‌اش به قتل رسید. اخبار رسیده حاکی از آن است که قاتل با قاتلین پس از به قتل رساندن دکتر هکی جنازه وی را آتش زده و سوزانده‌اند. بر اساس فایل صوتی توضیحات یکی از همکاران فرشید هکی به نام «مدبری» که داوری منتشر کرده‌ام وی گوید ممکن است یک خصوصیت شخصی و یا مربوط به پرونده‌های و کالاش بوده است. فرشید هکی به گهته وی نزد یک خانه با چاقو به قتل رسیده و جسدش آتش زده شده است.

نجات‌دانش آموزان ازسوی معلم‌فداکار

معلم فداکار پس از نجات دانش آموزان در میان دود و آتش گرفتار شد و در یک قدمی مرگ قرار گرفت. حبیب بنافی مدیر دبستان شهیدامیری آب‌پخش گفت: در حالی که محمد ابراهیم زاده معلم دبستان شهیدامیری آب‌پخش در حین انجام آزمایش در آزمایشگاه مدرسه با وقوع حریق مواجه شد و به بیرون از کلاس هدایت کرد. وی با بیان اینکه این اتفاق ساعت ۱۲ ظهر روز گذشته رخ داده است، افزود: معلم با وقوع آتش‌سوزی بلافاصله اقدام به خارج کردن همه دانش آموزان از محیط حادثه می‌کند، ولی متأسفانه خودش در آزمایشگاه گرفتار شده و بی‌هوش می‌شود. مدیر دبستان شهیدامیری آب‌پخش ادامه داد: با کمک تعدادی از اولیای دانش آموزان و پرسنل مدرسه در حالی که در آزمایشگاه قفل شده بود، به سختی این معلم را که بی‌هوش شده بود از آزمایشگاه خارج کردیم و به مرکز درمانی منتقل کردیم. وی خاطر نشان کرد: اکنون اقدامات درمانی روی این معلم در حال انجام است و هر چند وی همچنان بی‌هوش است، ولی به گفته کادر درمانی به زودی شاهد بهبود وضعیت وی خواهیم بود.

ارسال پرونده قتل خانم وکیل به دادگاه

وکیل مدافع اولیای دم فرانزه پوررجبی، وکیلی که در مقابل دادگستری لنگرود به ضرب گلوله کشته شد، از صدور کیفرخواست برای متهم این پرونده و ارسال آن به دادگاه خبر داد. عبدالصمد خرمشاهی در این باره اظهار کرد: پرونده موکلم با صدور کیفرخواست به شعبه سوم دادگاه کیفری یک شهرستان رشت ارسال شده است. وی افزود: برای متهم پرونده به اتهام حمل و نگهداری غیرمجاز اسلحه و قتل عمدی قرار مجرمیت (جلب به دادرسی) صادر و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شده است. وی تصریح کرد: موضوع ماده ۳۸۷ و ۲۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری (اگر و کلاً اعتراضی دارند ظرف ده روز اعلام کنند) به ما ابلاغ شده و ما به دلیل اینکه تمام موارد را دادسرا اعمال کرده ایرادی از آن نگرفتیم. خرمشاهی وکیل مدافع اولیای دم فرانزه پوررجبی ۳۱ تیرماه گفته بود که مر حومه پوررجبی ۳۰ اردیبهشت ماه سال جاری مقابل دادگستری لنگرود توسط شخصی که قبلاً رابطه کاری با او داشت کشته شد. متهم با اینکه متاهل بود اصرار به ازدواج با مر حومه پوررجبی را داشت و مدام مر حومه را تهدید می‌کرده و همان موقع هم پرونده در این خصوص تشکیل و وی محکوم می‌شود اما او تهدیداتش را ادامه داده است.

حادثه خونین برای ۱۵ دانش آموز خوزستانی درسرویس مدرسه

رییس مرکز اورژانسخوزستان از واژگونی مینی بوس مدرسه در محور لالی به تاراز و مصدوم شدن ۱۶ دانش آموز خبر داد. شهیار میرخشتی رییس مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی خوزستان بیان کرد: ساعت ۱۳ دیروز گزارش واژگونی یک مینی بوس حامل دانش آموزان مدرسه در محور لالی به تاراز درآرپناه به مرکز اورژانس ۱۱۵ اطلاع رسانی شدوی اظهار داشت:تیروهای امدادی بلافاصله پس از دریافت گزارش حادثه به محل مذکور اعزام شدند. میرخشتی تصریح کرد: در این حادثه ۱۶ دانش آموز مصدوم شدند و به وسیله آمبولانس به بیمارستان امیدلای انتقال یافتند. رییس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی خوزستان افزود: حال ۲ نفر از مصدومان ناساعد گزارش شده است.

به هم زدنی دست به سرقت می‌زدیم. ■ **بافرشاد چطور آشنا شدی؟** آخرین بار که زندان بودم فرشاد نیز هم‌سلولی ما بود و در دوران حبس با هم دوست شدیم و چند ماه زودتر از او آزاد شدیم. فرشاد بعد از آزادی از زندان با من تماس گرفت و همدیگر را ملاقات کردیم و تصمیم گرفتیم او نیز به مشکل مالی دارد در سرقت‌هایمان حضور داشته باشد.

■ با پول‌ها چه کردی؟

یک بخشی سهم فرشاد می‌شد و مابقی پول هزینه خانه مجردی و تفریحات و خوش گذرانی‌هایمان می‌شد و در زمان دستگیری تازه از سفر بازگشته بودیم که پلیس وارد خانه‌مان شد.

■ از اینکه پیر مردهارا هدف قرار می‌دادی ناراحت نبودی؟

نه، همه آنها را مثل پدر خودم می‌دانستیم و چون هیچ حسی به پدرم نداشتیم به خودم می‌گفتم که آنها می‌خواهند پول‌هایشان را داخل بالشت‌شان جمع کنند و بلد نیستند از زندگی شان لذت ببرند به همین خاطر این پول‌ها هزینه خوشگذرانی مامی‌شد.

■ بشیمانی؟

نمی‌شود گفت که پشیمان نیستیم، من هم دوست داشتم خانواده‌ای داشتم و وقتی به خانه می‌رفتم غذایم آماده بود و مهر و محبت پدری لمس می‌کردم و اگر واقعا این اتفاقات برای من در زندگی رخ می‌داد شاید هیچ وقت زدی نمی‌کردم. ■ **قبل از زندان که با خانواده‌ات زندگی می‌کردی؟** زندگی می‌کردم اما هیچ وقت در خانه نبودم پدر و مادرم کاری به من نداشتند.

■ تحصیلات؟

تاسیکل درس خواندم و دیگر ادامه تحصیل ندادم.

■ چرادر سن خواندی؟

وضعیت مالی خوبی نداشتیم و خانواده‌ام ترجیح دادند که کار کنم، من هم که رویاهایی در ذهن داشتم تصمیم به کار گرفتم اما وقتی دیدم هزینه خوشگذرانی زیاد است از روی ناچاری زدی کردم.

■ حرف آخر؟

بلند پروازی نکنید و اندازه پولی که دارید خوشگذران کنید. بنا به این گزارش، این ۳ متهم پس از تکمیل پرونده روانه زندان شدند و پس از گذشت ۶ ماه و در حالی که همه مالی‌اخته‌ها شناسایی شده بودند به زندان و شلاق وارد مال محکوم شدند. این حکم در دادگاه تجدید نظر قطعی شد.

مهرداد است ادعا می‌کند که خوشگذرانی خرج دارد و چون کاری جز دزدی بلد نبوده دست به سرقت زده است.

■ سابقه داری؟

بله، بارها بخاطر سرقت به زندان رفتم. ■ **تاکی می‌خواهی دزدی کنی؟** نمی‌دانم، وقتی خانواده‌ای نداشته باشی و هیچ کسی حاضر نباشد به تو کاری بدهد مجبور هستی که دزدی کنی.

■ خانواده‌ات کجا هستند؟

بعد از ۲ بار دستگیری خانواده‌ام دیگر مرا به خانه راه ندادند و پدرم ادعا کرد که دیگر پسری ندارد به همین خاطر زندگی جدید من شروع شد و برای تأمین هزینه‌های زندگی‌ام دست به سرقت می‌زدم.

■ چطور وارد دنیای تبهکاری شدی؟

من و مهرداد از بچگی با هم بزرگ شدیم و همیشه در کنار هم بودیم به همین خاطر همه فکر می‌کردند برادر هستیم به همین خاطر ما ۲ دوست قدیمی برادر صیغهای هم شدیم و جالب اینکه همیشه به دنبال خوشگذرانی بودیم ولی پولی در بساط نداشتیم تا اینکه تصمیم به سرقت گرفتیم.

■ اولین سرقت چه بود؟

نخستین بار سوار بر موتور در خیابان پرسه می‌زدیم که ناگهان پسر جوانی را مشاهده کردیم که کیفی به دستش داشت و همتاجا تصمیم به سرقت گرفتیم و در چشم بهم زدنی کیف پسر جوان را سرقت کردیم که از شناس ما پول زیادی هم داخل کیف بود و بعد از آن بیشتر وسوسه شدیم تا سرقت کنیم.

■ فکر نمی‌کردی دستگیر شوی؟

اوایل فکر می‌کردیم چون تازه کار هستیم کسی ما را شناسایی نمی‌کند اما بعد از دستگیری وقتی به زندان رفتم دیگر ترسی از زندان نداشتیم و همیشه برای خوشگذرانی زدی می‌کردیم. ■ **به چه شیوه‌ای سرقت می‌کردید؟**

پدرم بازنشسته بود و می‌دانستم هر ماه برای گرفتن حقوقش به بانک می‌رود به همین خاطر با مهرداد تصمیم گرفتیم به سراغ مردان بازنشسته برویم، چون می‌دانستیم پول خوبی به جیب می‌زنیم، به همین خاطر فرشاد را به عنوان زاغ زن وارد بانک می‌شد و سوزوها را شناسایی می‌کرد و آن را به ما معرفی می‌کرد که در ادامه ما منتظر می‌ماندیم تا سوزو از بانک خارج شود و سپس ما در چشم



۲.کیف‌قاپ حرف‌های

ماموران در این شاخه از تحقیقات به کمک فرشاد توانستند علی و مهرداد که از دوستان قدیمی و سارقان حرفه‌ای هستند را شناسایی کنند. تیم پلیسی وقتی برای دستگیری ۲ سارق جوان وارد عمل شدند پی بردند که آنها برای خوش گذرانی ابتدا به تهران سپس به شهرهای شمالی رفته‌اند. بدین ترتیب ماموران در کمین ۲ سارق جوان نشستند و به صورت نامحسوس مخفیگاه متهمان تحت نظر پلیس قرار گرفت تا اینکه علی و مهرداد از سفر به خانه‌شان بازگشتند. ۲ سارق جوان که نمی‌دانستند پلیس در یک قدمی آنها است هنوز لحظاتی از زوروشان نگذشته بود که ماموران در عملیاتی غافلگیرانه این ۲ متهم را دستگیر کردند. مهرداد ابتدا سعی داشت با نقشه پر دازی خود را بیگناه معرفی کند اما وقتی دید از سوی هم‌سلولی قدیمی‌شان لورفته به ناچار لب به سخن باز کرد. فرشاد ۲۹ ساله به ماموران گفت: وقتی از زندان آزاد شدم تصمیم گرفتم دیگری زدی نکنم اما هیچ کاری پیدا نکردم و این در حالی بود که ۲ تن از هم‌سلولی‌هایم که چندی قبل از من آزاد شده بودند پیشنهاد سرقت را مطرح کرده بودند و وقتی فشار بی‌پولی روی من زیاد شد تصمیم گرفتم با آنها همراه شوم. وی افزود: اما آخر هر ماه با سفر به شهرهای دیگر من در نقش زاغ زن وارد بانک می‌شدم و به کمین مردان میان سال می‌نشستم و وقتی حقوق بازنشستی – شان را دریافت می‌کردند مشخصات آنها را به دوستانم که در بیرون از بانک منتظر بودند خبر می‌دادم و آنها نیز که در زمینه کیف‌قاپی حرفه‌ای بودند نقشه را به اجرا می‌رساندند بعد به سفر می‌رفتیم و بیشتر در تهران و شمال تفریح می‌کردیم و بعد به شهرمان بر می‌گشتیم.

ماموران در گام نخست تحقیقات پای در محل سرقت گذاشتند و دوربین‌های مدار بسته نزدیکی بانک را مورد بررسی قرار دادند اما تصویری از ۲ سارق جوان به دست نیامد و پلاک موتور سیکلت‌شان نیز مخدوش بود. تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه ماموران در جریان سرقت مشابه دیگری قرار گرفتند که در آن ۲ سارق جوان کیف مرد بازنشسته دیگری را به سرقت برده بودند. تیم پلیسی در این مرحله با توجه به اینکه طعمه‌های دزدان پس از خارج شدن از بانک هدف دزدی قرار گرفته‌اند احتمال دادند که متهم دیگری از داخل بانک اقدام به زاغ‌زنی سوزوها کرده و پس از هماهنگی با دوستانش در بیرون بانک، نقشه سرقت را به اجرا می‌گذارند. ماموران در این شاخه از تجسس‌های فنی به سراغ دوربین‌های مدار بسته داخل بانک رفته و بررسی فیلم‌های ضبط شده با تصویر پسر جوانی روبه‌رو شدند که قبل سرقت‌ها داخل بانک حضور داشت. همین سرنخ کافی بود تا تصویر جوان مر موز در کنار آلبوم تصاویر دزدان سابقه‌دار قرار گیرد و کاوش فنی خیلی زود فرشاد یکی از مجرمان سابقه‌دار که چندی قبل پس از پایان دوران محکومیت زندان آزاد شده و این بار در نقش زاغ زن در یک باند شروع به کار کرده است.

اعتراف

فرشاد ابتدا خود را بی‌گناهی دانست و ادعا می‌کرد پس از آزادی از زندان دیگر خلاف نکرده و او را به اشتباهی دستگیر کرده‌اند اما وقتی در برابر فیلم‌های دوربین مدار بسته قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد. فرشاد ۲۹ ساله به ماموران گفت: وقتی از زندان آزاد شدم تصمیم گرفتم دیگری زدی نکنم اما هیچ کاری پیدا نکردم و این در حالی بود که ۲ تن از هم‌سلولی‌هایم که چندی قبل از من آزاد شده بودند پیشنهاد سرقت را مطرح کرده بودند و وقتی فشار بی‌پولی روی من زیاد شد تصمیم گرفتم با آنها همراه شوم. وی افزود: اما آخر هر ماه با سفر به شهرهای دیگر من در نقش زاغ زن وارد بانک می‌شدم و به کمین مردان میان سال می‌نشستم و وقتی حقوق بازنشستی – شان را دریافت می‌کردند مشخصات آنها را به دوستانم که در بیرون از بانک منتظر بودند خبر می‌دادم و آنها نیز که در زمینه کیف‌قاپی حرفه‌ای بودند نقشه را به اجرا می‌رساندند بعد به سفر می‌رفتیم و بیشتر در تهران و شمال تفریح می‌کردیم و بعد به شهرمان بر می‌گشتیم.

ماموران در گام نخست تحقیقات پای در محل سرقت گذاشتند و دوربین‌های مدار بسته نزدیکی بانک را مورد بررسی قرار دادند اما تصویری از ۲ سارق جوان به دست نیامد و پلاک موتور سیکلت‌شان نیز مخدوش بود. تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه ماموران در جریان سرقت مشابه دیگری قرار گرفتند که در آن ۲ سارق جوان کیف مرد بازنشسته دیگری را به سرقت برده بودند. تیم پلیسی در این مرحله با توجه به اینکه طعمه‌های دزدان پس از خارج شدن از بانک هدف دزدی قرار گرفته‌اند احتمال دادند که متهم دیگری از داخل بانک اقدام به زاغ‌زنی سوزوها کرده و پس از هماهنگی با دوستانش در بیرون بانک، نقشه سرقت را به اجرا می‌گذارند. ماموران در این شاخه از تجسس‌های فنی به سراغ دوربین‌های مدار بسته داخل بانک رفته و بررسی فیلم‌های ضبط شده با تصویر پسر جوانی روبه‌رو شدند که قبل سرقت‌ها داخل بانک حضور داشت. همین سرنخ کافی بود تا تصویر جوان مر موز در کنار آلبوم تصاویر دزدان سابقه‌دار قرار گیرد و کاوش فنی خیلی زود فرشاد یکی از مجرمان سابقه‌دار که چندی قبل پس از پایان دوران محکومیت زندان آزاد شده و این بار در نقش زاغ زن در یک باند شروع به کار کرده است.

دزدی بر رحمانه

چندی قبل مرد میان‌سالی برای گرفتن حقوق بازنشستی‌اش پای در بانک یک شهرستان گذاشت و پس از دقایقی که نوبتش شد به پشت باجه بانک رفت و حقوقش را دریافت کرد و داخل کیف دستی‌اش گذاشت. مرد میان‌سال در حالیکه به خاطر درد پاهایش به آرامی راه می‌رفت از بانک خارج شد و هنوز چند قدمی از بانک فاصله نگرفته بود که ناگهان ۲ جوان موتور سوار خود را به نزدیکی مرد میان‌سال رساندند و در چشم بهم زدنی اقدام به سرقت کیف دستی طعمه‌شان زدند و با سرعت پاهای فرار گذاشتند.

کمک از پلیس

طعمه دزدان وقتی حقوق بازنشستی‌اش از سوی دزدان به سرقت رفت با چهره‌ای آشفته و ناراحت پای در اداره پلیس گذاشت و از ماجرای گرفتار شدن در دام کیف‌قاپ‌های حرفه‌ای پرده برداشت.

خبر

پلیس این شیاطین را تحت تعقیب دارد

دسیسه مردان مخوف برای زنان ثروتمند تهرانی

می‌خواهند آن را بخرد و او هم خودش را فرد ثروتمندی معرفی می‌کرد من هم قبول کردم ماشین را به او بدهم و خودم ماشین دیگری بخرم. قرار شد پول را به حساب من واریز کند سندر ایه نامش زدم و روزی که قرار بود پول را از او بگیرم سر قرار حاضر شدم و او را مورد آزار قرار داد و بعد هم بدون اینکه پولم را بدهد رفت. چندباری با او تماس گرفتم اما تلفنش خاموش بود و ا رفت و دیگری خبری از او نداد و من حالا به خاطر سرقت و تعرض از او شکایت دارم.

شکایتی مشابه

مدتی بعد زنی دیگری نیز چنین ادعایی را مطرح کرد و گفت: مردی که خود را عاشق من معرفی می‌کرد از من سرقت کرد و رفت. او گفت: این مرد بعد از اینکه فهمیده به او اعتماد کردم از من خواست ماشین را به نامش کنم و من هم قبول کردم گفت همه پول را یکجا پرداخت می‌کند اما من خواستم بخشی از پول را من بدهد و بعد سندر ایه نام کنم او هم قبول کرد بخشی از پول را داد و من که مطمئن شدم می‌خواهد همه پول را بدهد سندر ایه نامش

می‌خواهند آن را بخرد و او هم خودش را فرد ثروتمندی معرفی می‌کرد من هم قبول کردم ماشین را به او بدهم و خودم ماشین دیگری بخرم. قرار شد پول را به حساب من واریز کند سندر ایه نامش زدم و روزی که قرار بود پول را از او بگیرم سر قرار حاضر شدم و او را مورد آزار قرار داد و بعد هم بدون اینکه پولم را بدهد رفت. چندباری با او تماس گرفتم اما تلفنش خاموش بود و ا رفت و دیگری خبری از او نداد و من حالا به خاطر سرقت و تعرض از او شکایت دارم.

گروه حوادث: مردان شوم در قالب باندی در کمین زنان ثروتمند تهرانی می‌نشستند تا آنها را در دام شیطانی خود بیندازند. این مردان تبهکار با برقراری روابط شیطانی با زنان ثروتمند ماشین‌های گرانیقیمت‌شان را به سرقت می‌بردند. این مردان تحت تعقیب ویژه پلیس تهران هستند تا پس از دستگیری به‌دو اتهام آنها رسیدگی کنند.

ادعاهای زنی شبیک

اولین شکایت از سوی زنی جوان که صاحب یک خودروی شاسی بلند و خارجی بود به پلیس داده شد. این زن گفت: چندی قبل با مرد جوانی که خود را آرش معرفی می‌کرد آشنا شدم او نسبت به من ابراز علاقه کرد و مدام با من تماس می‌گرفت تا همدیگر را ببینیم. از آنجایی که پدر من فرد ثروتمندی است و برایم یک ماشین شاسی بلند خرید هداست با ماشینم سر قرار حاضر می‌شدم یکی دوماه که از ماجرا گذشت و رابطه من و آرش بیشتر شد یک روز به من گفت حاضر است ماشینم را بخرد و مدعی شد چون خاطرات زیادی در این ماشین با هم داشتیم



این باندا آغاز کردند

اقدامات بانندی

برای تحقیقات بیشتر در این خصوص زنانی که به عنوان شاکی در این پرونده حضور داشتند به دادگاه‌ها فراخوانده شدند آنها یکبار دیگر ادعای خود را مطرح کردند. یکی از شاکیان گفت: بعد از اینکه با مرد جوان آشنا شدم او به شدت به من ابراز علاقه کرد و رفتارهایی می‌کرد که من باورش کنم و متأسفانه اشتباه کردم و او را قبول کردم. یکبار به من تعرض کرد و زمانی که به او معترض شدم گفت: از علاقه زیادی که به من دارد این کار را کرده است و می‌خواهد با من

عملیات ویژه

به دستور قضات شعبه ۱۲ تحقیقات ماموران برای دستگیری مردانی که از زنان ثروتمند کلاهبرداری کرده و آنها را مورد سوء استفاده قرار می‌دادند آغاز شده و رسیدگی به این پرونده نیز ادامه دارد.